ج) راه‌کار شرعی

حالا آن‌جایی که شبهه حل نشده، شارع چه کار می‌کند؟

ببینید وقتی در یک محدوده‌ای شک داریم با استقرار شک، در محدوده شکّ و مشکوک، ما هیچ حجّتی نداریم و شرعاً و عقلائیاً در حوزه مشکوک، چیزی دست ما نیست. وقتی شک مستقر شد، در کتب لغت نگاه کردید، عرف عام را هم آوردید و باز حل نشد، این جاست که در محدوده شک، نمی‌توانید مشی علی العمیاء بکنید؛ خاطرمان جمع باشد و در این محدوده مشکوک، این دلیل هیچ چیزی را ثابت نمی کند. خب چه کار کنیم؟

۱.راه‌کار حلّی: انشاء حقیقت شرعیّه

ببینید شارع یک وقت است که می‌خواهد حقیقت شرعیه را ایجاد کند. می‌گوید من ـ شارع برای این، فلان لغت را وضع می‌کنم و دیگر به آن آب اطلاق نمی‌شود. این محدوده ی مسمّی می‌شود که بعید است این بیانی را داشته باشد.

غیر متعارف

یعنی بگوید وقتی نمی‌دانی آب گل است یا نه، من کاری به ندانستن تو ندارم؛ من می‌گویم: آب این مرحله، آب مطلق است. معموال این طور موارد را شارع متصدی نمی‌شود؛ لذا گفتم متعارف نیست که شبهه را حکمیه بگیریم، به این معنا که در نفس همین شبهه به قول شارع مراجعه کنیم.

۲. راه‌کار عملی:

ارجاع به سایر عمومات

یا این که شارع ما را به سایر کلمات خودش ارجاع بدهد، یعنی الان که ما در مرز شک داریم، در حلّ این شبهه به انشای خود شارع در اینجا مراجعه نمی‌کنیم؛ به عمومات دیگری مراجعه می‌کنیم. مثل تمسک به اصل عام باالدستی، به نحوی که بگوییم اجمال سرایت نکرده است یا بگوییم اجمال، شأنیّت سرایت دارد به نحو احراز ـ مراد گوینده عام، اما از باب عدم اختلال نظام و حفظ بر محاورات عقلائیه، بنا بر این می‌گذاریم که بگوییم به آن عام احتجاج می‌شود و خود گوینده با شنونده این را قبول دارد.

البته در این صورت، شبهه حل نشده؛ بله حلّ به معنای رفع تحیر شده، این شبهه ما را زمین‌گیر نکرده، شارع به ما اجازه داده که به سوی سایر ادلّه برویم.

انشاء حکم جدید(ورود)

ای اینکه شارع بگوید: این شیء، آب باشد ای نباشد، من حکمِ آب را برای آن نمی‌آورم. حکم آن را بگوید. ریخت آن هم، ریخت تخصیص و حکومت و ورود می‌شود. این هم پاک کردن صورت مسأله است. می‌گوییم چه آب باشد و چه نباشد، این حکم را دارد ای ندارد.شبهه حکمیه، این است که ما در انشای شارع شک داریم، شارع می‌آید آن انشای خودش را برای ما توضیح می‌دهد، و الّا ما اگر در یک جایی بگوییم شبهه حکمیه داریم، به جای رفع نفس آن انشاء شارع، یک انشای جدید استقلالی بفرمایی که رفع شبهه حکمیه نشد، این انشاء، یک چیزی مثل حکومت و ورود شد. مثل ورود می‌مانند.

ارجاع به اصول عملیه

یک وقت هایی هم شارع می‌فرمایی این آبهایی که بینابین است چون تو شک داری بگو آب است و استصحاب کن، اگر شارع این طوری جواب بدهد با مکلف بما أنّه شاک کار دارد و دارد اصل عملی به او ارائه می‌دهد.یعنی از بیرون با اصول دیگر، با اصل لفظی، با اصل غیر لفظی و امثال اینها خودمان را از این شک به نحو پیشبرد کار و رفع تحیر رها می‌کنیم، نه از باب این که خود این مشکوک بخواهیم با این که مشکوک است یک طوری به آن تمسک کنیم؛ ابدا! قاعده کلی داریم که مشکوک در محدوده مشکوک نمی‌تواند کاری انجام بدهد.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 مارس 2025 08:40:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مارس 2025 08:40:59 توسط ... .